

## پیامدهای غیر قابل پیش بینی حمله فراگیر احتمالی به لبنان برای رژیم صهیونیستی

بعید است مذاکرات آتش‌بس و آزادی اسرا نقش بازدارنده‌ای برای ممانعت از جنگ میان رژیم صهیونیستی و حزب‌الله که تبعات آن غیر قابل پیش بینی است، داشته باشد. ظاهر آن طور که در رسانه‌ها آمده است، بنیامین نتانیاهو در انتظار سفر به آمریکا، سخنرانی در کنگره و صحبت با جو بایدن است، ضمن آنکه آمریکایی‌ها نیز به نظر می‌رسد تحفظ چندانی نسبت به حمله رژیم صهیونیستی به لبنان ندارند، جز اینکه دامنه جنگ محدود باشد، چراکه شدیداً نگران پیامدهای آن هستند. آمریکا معتقد است جنگ تمام‌عیار ممکن است پای ایران را هم به جنگ باز کند، از این رو، نمی‌خواهد جنگ، تمام‌عیار و گسترده باشد. در عین حال، آمریکا از تغییر توازن در منطقه به نفع حزب‌الله با توجه به توانمندی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری که در اختیار دارد، خشنود نیست و از ضربه نظامی رژیم اسرائیل به حزب‌الله و تضعیف توانمندی‌هایش استقبال می‌کند. البته دغدغه اروپا در این رابطه کم نیست، زیرا در صورت وقوع جنگ، تبعات آن مخصوصاً موضوع مهاجران برای اروپا وجود دارد و طبعاً با مخالفت و جلوگیری از ورود مهاجران و مسلمانان به اروپا، تنش‌هایی در کشورهای اروپایی به وجود خواهد آمد.

تبادل پیام‌های رسانه‌ای و جنگ روانی بخشی از قضیه است، بخشی هم به محاسبه غلط و یا اضافه بر آورد طرف‌ها از موقعیت خودشان برمی‌گردد. اما بخش مهم‌تر به واقعیات میدانی مربوط است. به هر صورت از شروع جنگ از ۷ اکتبر تاکنون به نوعی حملات بین رژیم اسرائیل و حزب‌الله آغاز شده است و در هر مقطعی شدت آن کم و زیاد شده است. اگر چه دو طرف به زیرساخت‌های نظامی یکدیگر حمله کرده‌اند، اما با خوشبختی همراه بوده و تلاش شده که درگیری وسیع نباشد. اما در کنار مورد تهدید قرار گرفتن بعضی نقاط حساس از سوی طرفین که ممکن است بیشتر جنگ روانی بوده باشد تا جنبه عملیاتی، تبعات روانی ناشی از شروع جنگ همچنان سایه گسترده‌ای بر لبنان و منطقه داشته است که سبب نگرانی بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و بین‌المللی کشورها بین برن زیرساخت‌های نظامی اعم از آفندی و پدافندی و کادرها و نیروهای مبارز و استراتژیک حزب‌الله و نیروهای مدیریتی و تأثیرگذار آن است تا سازمان عملیاتی حزب‌الله را به لحاظ نظامی از کار بیاندازند. از طرفی، حزب‌الله یک قدرت نرم و سخت از خودش نشان داده است که به نوعی باعث وحشت اسرائیلی‌ها شده است. در یک سال اخیر نیز استفاده حزب‌الله از برخی تجهیزات نظامی از جمله پهپادها از جمله پهپاد همدند نشان داده است که توانمندی نظامی خوبی دارد و توانایی برهم زدن معادلات را دارد. نفوذ ۲۷ کیلومتری پهپاد همدند در سرزمین‌های اشغالی و عبور از سه پایگاه گنبد آهنین و عکس برداری از آنها و پارگشت به لبنان، ضربه سهمگینی به هیمنه امنیتی رژیم اسرائیل بود، چنانکه این رژیم دیگر مانند گذشته قادر نیست از تبلیغات گنبد آهنین بهره‌برداری سیاسی، امنیتی و اقتصادی کند. جنگ میان حزب‌الله و رژیم اسرائیل اتفاق خواهد افتاد، ولی اینکه حجم آن چقدر است را نمی‌توان برآورد کرد. همچنین شدت آن به عکس العمل حزب‌الله و سایر کشورها از جمله آمریکا و فرانسه بستگی دارد که به نوعی دارای نفوذ در لبنان هستند. طبیعی است اگر رژیم اسرائیل عملیات گسترده مخصوصاً در جنوب لبنان آغاز کند، حزب‌الله هم پاسخ خواهد داد و در صورت فراگیر شدن پای دیگران هم به میان خواهد آمد. لبنان مانند غزه در محاصره نیست و طبیعی است هم‌بیمانان حزب‌الله از دریا و زمین به کمکش خواهند آمد و جنگ، فراگیر خواهد شد. توانمندی‌های حزب‌الله هم با حماس قابل مقایسه نیست. حزب‌الله هم تجربه دو جنگ قبلی ۱۹۸۲ و ۲۰۰۶ را دارد و هم بعد از جنگ ۳۳ روزه توانمندی‌های نظامی‌اش را بسیار تقویت کرده است و از طریق جنگ‌های نامتوازن برای رژیم اسرائیل و نظامی‌هایش در دسر ایجاد می‌کند. حزب‌الله، روند جنگ رژیم اسرائیل در غزه را از نظر دور نداشته و نقاط ضعف و آسیب‌پذیری این رژیم را بررسی کرده است. رژیم اسرائیل نیز چنانچه نتواند همانند جنگ در غزه در کوتاه‌مدت به اهدافش دست یابد، مشکلاتی بیش از گذشته خواهد داشت. بحث رفع اشغال سرزمین لبنان از دست رژیم اسرائیل موضوع دیگری است که در رابطه با درگیری احتمالی این رژیم و لبنان مطرح است و این فراتر از موضوع حمایت حزب‌الله از حماس و مردم غزه می‌باشد و یک پارامتر جدید است که در معادلات وارد شده است. رژیم اسرائیل بخشی از جنوب لبنان را اشغال کرده است و حزب‌الله می‌گوید باید این بخش را تخلیه کند. از قبل، یک توافق در این رابطه بود که حزب‌الله از مرزهای جنوبی لبنان ۴۰ کیلومتر دور باشد، اما بعد از ۱۷ اکتبر این امر دیگر رعایت نشد.



راین گینگراس

استاد امنیت ملی  
در دانشگاه مونتری

**ترجمه: آریا صدیقی /** در اوایل نوامبر ۲۰۲۳، وزیر کشور ترکیه اعلام کرد که مردی را دستگیر کرده‌اند که روزنامه‌ها او را «سلطان کوکائین» می‌نامند. پلیس Dritan در یتان رکسپی را در شهرک‌های ساحلی بیلک‌دوز، درست خارج از استانبول دستگیر کرد. علی یرلی‌کایا، وزیر کشور ترکیه، تصاویر ویدئویی از یورش پلیس به خانه کاخ‌مانند رجهبی را با افتخار در توئیتر منتشر کرد. در این تصاویر افسران پلیس مجموعه‌ای بزرگ از ساعت‌های لوکس مظنون را در معرض دید عام قرار می‌دهند. به‌رغم حکم بین‌المللی برای نقش او در قاچاق مواد مخدر در آمریکای جنوبی، این تصاویر نشان می‌دهد که زندگی رجهبی در استانبول، یک زندگی مجلل و راحت و با فراغ بال بوده است. با این وجود، خبرگزاری‌های ترکیه از این خبر خوشحال شدند.

رجهبی تنها یکی از چند مظنون سرشناس قاچاق مواد مخدر است که در سال گذشته در ترکیه دستگیر شده‌اند. به یک معنا، این مسئله نشان‌دهنده عمق زیاد جنگ ترکیه علیه مواد مخدر است. آمارهای اخیر که از سیستم‌زدان‌های ترکیه به دست آمده است، بر گسترده‌گی دستور کار دولت در مبارزه با مواد مخدر تأکید دارد. تقریباً ۳۵۰ هزار نفر در حال حاضر در این کشور زندانی هستند که بسیار بیشتر از هر کشور دیگری در اروپا است. از این تعداد، ۳۴ درصد زندانی‌ها به اتهامات مربوط به مواد مخدر در زندان هستند. یک شاخص حتی واضح‌تر از رویدادهای جاری در ترکیه را می‌توان در اندازه کشف مواد مخدر در بنادر ترکیه یافت. در چند سال گذشته، پلیس مجموعه‌ای از محموله‌های وارد شده از آمریکای جنوبی را که هر کدام حاوی چندین تن کوکائین بود، رهگیری کرده است. به نظر می‌رسد که همین روند باعث شد که رجهبی در استانبول اقامت کند.

در حقیقت، ترکیه یکی از چندین کشور اروپایی است که توسط موجی از کوکائین غرق شده است. به عنوان مثال، در سال ۲۰۲۲، پلیس هلند بیش از ۱۰۰ هزار کیلو کوکائین را که بیش از سه برابر آمار پنج سال قبل بود کشف و منهدم کرد. یک توضیح برای این امر، این است که رشد مداوم کشت کوکائین در آمریکای جنوبی طی چندین سال گذشته با سرعتی بی‌سابقه ادامه داشته است. آماده بودن کوکائین موجب شده که تقاضای زیاد در اروپای غربی همچنان وجود داشته باشد و موجب شده که بازارهای جدیدی در بالکان، اروپای شرقی و خاورمیانه ایجاد شود. با این حال، منتقدان رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، مشکل کنونی کوکائین در این کشور را به‌گونه‌ای کاملاً متفاوت تفسیر کرده‌اند. آنها معتقدند دستگیری تعداد زیادی از سلاطین مواد مخدر در پی اتهامات و رسوایی‌های مربوط به فساد در داخل دولت صورت می‌گیرد. در شرایطی که ترکیه همچنان زیر بار تورم شدید و نابرابری درآمدی دست‌وپنجه‌نرم می‌کند، موج فزاینده تردیدی که در میان رای‌دهندگان خشمگین ایجاد شده در بدترین زمان ممکن برای اردوغان و حزب حاکم عدالت و توسعه رخ داده است و حالا اینطور به نظر می‌رسد که رئیس‌جمهور ترکیه حداقل برای حفظ میراث و اعتبار خود مصمم به مبارزه با اتهامات فساد در دولتش است.

آنها که اخبار را دنبال می‌کنند احتمالاً با جایگاه تاریخی ترکیه در تجارت بین‌المللی مواد مخدر آشنا هستند. شهرت ترکیه در این خصوص به دهه‌ها قبل برمی‌گردد؛ در اوج اپیدمی مصرف هروئین آمریکا در دهه ۱۹۷۰، ترکیه به دلیل ناتوانی یا عدم تمایلش برای توقف تولید غیرقانونی تریاک هشدارهایی از سوی واشنگتن دریافت کرد. از آن روزهای تاریخ که در سال ۱۹۷۸ در فیلم «قطار سریع‌السير نیمه‌شب» به کارگردانی الیور استون به نمایش درآمد، چیزهای زیادی تغییر کرده است. در دهه ۱۹۸۰، ترکیه به طور کامل به یک کشور ترانزیتی برای قاچاق هروئین تولیدشده در پاکستان و افغانستان تبدیل شده بود. در آن زمان، یک طبقه انحصاری از قاچاقچیان بومی ترکیه شروع به گسترش تجارت به اروپا و آمریکای شمالی کرده بودند. یکی از اجزای این روند، توانایی گانگسترهای ترک برای همکاری با شرکای همفکر خود در بالکان بود.

نمایش تکان‌دهنده‌ای از این رابطه در نتیجه افشاگری‌های ناشی از سوءقصد به پاپ ژان پل دوم در ماه مه ۱۹۸۱ رخ داد. با دستگیری مهمت علی‌آعجا، مظنون قتل پاپ، توجه بین‌المللی به این واقعیت معطوف شد که او در بلغارستان در کنار دلان معروف هروئین که با یک شرکت صادرات و واردات دولتی کار می‌کردند، اقامت داشت. آنچه به عنوان «مسیر بالکان» برای قاچاق هروئین شناخته شد در دهه ۱۹۹۰ پیچیدگی بیشتری پیدا کرد. در سایه فروپاشی یوگسلاوی، قاچاقچیان ترک به طور فزاینده‌ای به همکاران آلبانیایی که هروئین غیرقانونی را به بازار اروپا می‌فرستادند، متکی بودند. با آغاز قرن جدید، عمق و گستردگی این شبکه‌ها مورد توجه و نگرانی اروپایی‌ها قرار گرفت. در حالی که توجه به این روند تاریخی در زمینه رویدادهایی که اکنون اتفاق می‌افتد، حیاتی است اما این روند لزوماً خط مستقیمی از تداوم در خود ندارد. برای درک اینکه چگونه و چرا سلطان کوکائینی مانند رجهبی در استانبول ساکن شد، باید دوتحول

موازی را در قلب داستان درک کرد.

از یک سو، حرفه جنایی رجهبی نمادی از یک الگوی توسعه‌طلبانه مداوم است که مخصوص تجارت جهانی کوکائین است. از زمان پابلو اسکوبار و ظهور کارتل مدلین، قاچاقچیان کوکائین برای یافتن مسیرها و بازارهای جدید برای فروش کالا‌های خود تلاش کرده‌اند. تلاش برای یافتن مسیرهای قاچاق امن‌تر به ایالات متحده و اروپا، سازمان‌های جنایتکار در نیمکره غربی را سوق داد تا از نقاط مختلف ترانزیت در مکزیک، آمریکای مرکزی و دریای کارائیب سوءاستفاده کنند. در دهه ۱۹۹۰، قاچاقچیان به‌ویژه با تدبیر مسیرهایی مؤثر را در غرب آفریقا کشف کردند.

تنوع دادن به مسیرهای تجاری با رشد آهسته مصرف کوکائین در خارج از آمریکای شمالی و اروپای غربی همراه بود. در اوایل دهه ۲۰۰۰، محققان و روزنامه‌نگاران به افزایش مصرف کوکائین در روسیه و خاورمیانه توجه داشتند. تا همین اواخر، قاچاقچیان ترکیه به رشد و توسعه تجارت کوکائین کمک می‌کردند. اگر چه شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد گانگسترهای ترکیه در اوایل دهه ۱۹۹۰ هروئین را با کوکائین مبادله می‌کردند، اما عموماً فرض بر این است که مقداری که به ترکیه یا از طریق ترکیه منتقل می‌شد، اندک بود. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۰۸، تنها ۱۲۰ کیلو کوکائین در کل کشور کشف و ضبط شد. از این میزان، تقریباً ۶۰ درصد از طریق حامل‌هایی که به فرودگاه‌های ترکیه می‌رسند، دستگیر شده‌اند. در سال ۲۰۲۱، افسران ترکیه بیش از ۳ هزار کیلو کوکائین را ضبط کردند. داده‌های سازمان ملل از سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که جریان کوکائین به ترکیه فروکش نکرده است. با این وجود، به نظر می‌رسد که ترکیه یک نقطه نسبتاً منزوی برای ورود قاچاقچیان کوکائین است. در مقام مقایسه، پلیس بلژیک بیش از ۱۲۰ هزار کیلوگرم کوکائین را در سال ۲۰۲۲ ضبط کرد که بیش از دو برابر مقدار کشف‌شده در پنج سال قبل است.

دومین عنصری که اتمال رجهبی را موفق می‌سازد، تنوع و انعطاف‌پذیری باورنکردنی سازمان‌های قاچاق کوکائین

بوده است. البته قاچاق کوکائین همیشه شخصیت‌ها و گروه‌های مختلفی را به خود جلب کرده است. قبل از دهه ۱۹۷۰، فروش کوکائین تجارتنی در مقیاس کوچک بود که توسط اتباع بولیوی، پرو، شیلیایی و دیگرانی از آمریکای جنوبی انجام می‌شد. درست قبل از طلوع کارتل‌های مدلین و کالی، مقامات در ایالات متحده با احتیاط از «مافیای کوبایی» تجارت کوکائین صحبت کردند. طرفداران فیلم‌های نتفلیکس به نام‌های «Narcos» و «Narcos: Mexico» به راحتی می‌توانند وقایع را تایید کنند.

چیزی که معمولاً کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، تعداد باورنکردنی کارآفرینان اروپایی و خاورمیانه‌ای است که به دنبال ایجاد خطوط توزیع کوکائین در سراسر اقیانوس اطلس بودند. در میان اولین این پیشگامان، سامی الخوری، یکی از معماران مشهور شبکه بدنام هروئین به نام «ارتباط فرانسوی» بود. خوری علاوه بر قاچاق مقادیر زیادی مواد افیونی از لبنان، متهم به وارد کردن کوکائین از طریق شبکه فحشا مستقر در بیروت نیز بود. دیگر کهنه سربازان شبکه ارتباط فرانسوی و همچنین گانگسترهایی از ایتالیا، روسیه و دیگر بخش‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق به او پیوستند. صعود رجهبی نشان‌دهنده موجی خاص است که اخیراً ایجاد شده اما به هیچ وجه در این الگوی فعالیت فرآتلانتیک بی‌سابقه نیست. شواهد دخالت آلبانیایی‌ها در تجارت جهانی کوکائین به دوران جنگ سرد بازمی‌گردد. در اوایل دهه ۱۹۸۰، مقامات آمریکایی وجود «ارتباط آلبانیایی» را شناسایی کردند که صادرکنندگان هروئین ترکیه را به خرده‌فروشان نیویورکی متولد یوگسلاوی مرتبط می‌کرد.

با فروپاشی یوگسلاوی و پایان حکومت کمونیستی در تیرانا، شبکه‌های آلبانیایی‌ها بیشتر فعال شدند. در حالی که صدها هزار نفر در طول دهه ۱۹۹۰ بالکان را ترک کردند، پلیس و کارشناسان به‌طور گسترده به دخالت آلبانیایی‌ها در خرید و فروش مواد مخدر به صورت خرد و همچنین سایر فعالیت‌های جنایت سازمان‌یافته اشاره کردند. در این رابطه، رجهبی یک استثنا است. او که در اصل دانشجوی حقوق در



# هزار توی تجارت کوکائین چرا سلاطین کوکائین ترکیه را پناهگاه امن